

مأموریت دوازده رسول توسط عیسی

¹ و دوازده شاگرد خود را طلبیده، ایشانرا بر ارواح پلید قدرت داد که آنها را بیرون کنند و هر بیماری و رنجی را شفا دهند.² و نامه‌های دوازده رسول این است: اوّل شمعون، معروف به پطرس، و برادرش اندریاس؛ یعقوب بن زیدی و برادرش یوحنا؛³ فیلیپس و برتولما؛ توما و مّثای باجگیر؛ یعقوب بن حلفی و لبی معروف به تّدی؛⁴ شمعون قانونی و یهودای اسخریوطی که او را تسلیم نمود.

⁵ این دوازده را عیسی فرستاده، بدیشان وصیت کرده، گفت: از راه اُمّت‌ها مروید و در بَلَدی از سامریان داخل مشوید،⁶ بلکه نزد گوسفندان گمشده اسرائیل بروید.⁷ و چون می‌روید، موعظه کرده، گویند که: ملکوت آسمان نزدیک است.⁸ بیماران را شفا دهید، ابرصان را طاهر سازید، مردگان را زنده کنید، دیوها را بیرون نمایید. مفت یافته‌اید، مفت بدهید.⁹ طلا یا نقره یامس در کمرهای خود ذخیره نکنید،¹⁰ و برای سفر، توشه‌دان یا دو پیراهن یا کفشها یا عصا بردارید، زیرا که مزدور مستحقّ خوراک خود است.

¹¹ و در هر شهری یا قریه‌ای که داخل شوید، بپرسید که در آنجا که لیاقت دارد؛ پس در آنجا بمانید تا بیرون روید.¹² و چون به خانه‌ای درآیید، بر آن سلام نمایید؛¹³ پس اگر خانه لایق باشد، سلام شما بر آن واقع خواهد شد و اگر نالایق بُوَد، سلام شما به شما خواهد برگشت.¹⁴ و هر که شما را قبول نکند یا به سخن شما گوش ندهد، از آن خانه یا شهر بیرون شده، خاک پایهای خود را برافشانید.¹⁵ هرآینه به شما می‌گویم که: در روز جزا حالت زمین سدوم و غموره از آن شهر سهلتر خواهد بود.

اعتراف به عیسی در تحمل رنج

¹⁶ هان، من شما را مانند گوسفندان در میان گرگان می‌فرستم؛ پس مثل مارها هوشیار و چون کبوتران ساده باشید.¹⁷ امّا از مردم برحذر باشید، زیرا که شما را به مجلسها تسلیم خواهند کرد و در کنایس خود شما را تازیانه خواهند زد،¹⁸ و در حضور حُکام و سلاطین، شما را بخاطر من خواهند برد تا بر ایشان و بر اُمّت‌ها شهادتی شود.¹⁹ امّا چون شما را تسلیم کنند، اندیشه

مکنید که چگونه یا چه بگویند زیرا در همان ساعت به شما عطا خواهد شد که چه باید گفت،²⁰ زیرا گوینده شما نیستید، بلکه روح پدر شما، در شما گوینده است.²¹ و برادر، برادر را و پدر، فرزند را به موت تسلیم خواهند کرد و فرزندان بر والدین خود برخاسته، ایشان را به قتل خواهند رسانید؛²² و بجهت اسم من، جمیع مردم از شما نفرت خواهند کرد. لیکن هر که تا به آخر صبر کند، نجات یابد.²³ و وقتی که در یک شهر بر شما جفا کنند، به دیگری فرار کنید زیرا هرآینه به شما می‌گویم: تا پسر انسان نیاید، از همه شهرهای اسرائیل نخواهید پرداخت.

²⁴ شاگرد از معلّم خود افضل نیست و نه غلام از آقایش برتر.²⁵ کافی است شاگرد را که چون استاد خویش گردد و غلام را که چون آقای خود شود. پس اگر صاحب خانه را بَعْلُزُول خواندند، چقدر زیادت‌ر اهل خانهاش را. لَهذا از ایشان مترسید زیرا چیزی مستور نیست که مکتشوف نگردد و نه مجهولی که معلوم نشود.²⁷ آنچه در تاریکی به شما می‌گویم، در روشنایی بگویند، و آنچه در گوش شنوید بر بامها موعظه کنید.²⁸ و از قاتلان جسم که قادر بر کشتن روح نیاند، بیم مکنید، بلکه از او بترسید که قادر است بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنّم.²⁹ آیا دو گنجشک به یک قلس فروخته نمی‌شود؟ و حال آنکه یکی از آنها جز به حکم پدر شما به زمین نمی‌افتد.³⁰ لیکن همه موبهای سر شما نیز شمرده شده است.³¹ پس ترسان مباشید زیرا شما از گنجشکان بسیار افضل هستید.³² پس هر که مرا پیش مردم اقرار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را اقرار خواهم کرد.³³ امّا هر که مرا پیش مردم انکار نماید، من هم در حضور پدر خود که در آسمان است او را انکار خواهم نمود.

³⁴ گمان مبرید که آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بگذارم. نیامده‌ام تا سلامتی بگذارم، بلکه شمشیر را.³⁵ زیرا که آمده‌ام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم.³⁶ و دشمنان شخص، اهل خانه او خواهند بود.³⁷ و هر که پدر یا مادر را بیش از من دوست دارد، لایق من نباشد و هر که پسر یا دختر را از من زیاده دوست دارد، لایق من نباشد.³⁸ و هر که صلیب خود را برداشته، از عقب من

نیاید، لایق من نباشد.³⁹ هر که جان خود را دریابد، آن را
هلاک سازد و هر که جان خود را بخاطر من هلاک کرد،
آن را خواهد دریافت.
⁴⁰ هر که شما را قبول کند، مرا قبول کرده و کسی که
مرا قبول کرده، فرستنده مرا قبول کرده باشد.⁴¹ و

آنکه نیبای را به اسم نبی پذیرد، اجرت نبی یابد و هر
که عادل را به اسم عادل پذیرفت، مزد عادل را
خواهد یافت.⁴² و هر که یکی از این صغار را کاسهای از
آب سرد محض نام شاگرد نوشاند، هرآینه به شما
می‌گویم: اجر خود را ضایع نخواهد ساخت.